نقل‌قول خبر

بهروز محبی‌نجم‌آبادی
**نماینده مردم سبزوار در مجلس شورای اسلامی**

مسائلی که به‌صورت جدی خودش را در حوادث اخیر نشان داد، بهره‌برداری دشمنان نظام اسلامی از غفلت و جهل برخی جوانان بود. معاندین در اغتشاشات اخیر سعی داشتند که با دروغ‌پردازی تحلیل غلط به افراد جامعه بدهند. قطعاً فضای دانشگاهی و بازاری ما نیاز به برگزاری جلسات و کرسی‌های آزاداندیشی دارد، ما باید مسئله محور همه حوادث عالم را تبیین کنیم. درخصوص مسائلی همچون شرایط اقتصادی، ریشه مشکلات، ضعف‌های مدیریتی و... باید برای جوانان روشنگری صورت بگیرد. دفاع‌پرس

سردار مهدی حاجیان
**معاون فرهنگی اجتماعی فراجا**

چگونگی اقدامات پیشگیرانه فرهنگی و اجتماعی مجموعه انتظامی و میزان کیفیت و اثربخشی آن بسیار حائز اهمیت بوده از این‌رو بهره‌گیری از ظرفیت‌های هنری و ادبی در فرایند اجرای این برنامه‌ها را مدنظر قرار می‌دهد. پلیس به‌عنوان یک سازمان اجتماعی اعتقاد دارد، رویکرد جامعه محوری خود را با همکاری هنرمندان در حوزه ادبیات و هنر پیش برده، ارتقا داده و اثربخش‌تر عمل کند. ایرنا

# تبیین نقش علم و فناوری در دفاع مقدس

## معاون تربیت و آموزش ارتش از لزوم برگزاری همایش‌هایی برای معرفی دستاوردهای علمی این نهاد می‌گوید

گزارش
مژگان مهرابی
روزنامه‌نگار

چندی پیش بود که مقام معظم رهبری در جلسه‌ای فرمودند: «چرا در مورد تبیین نقش علم و فناوری در دفاع‌مقدس کاری نشده است؟» و به مسئولان نظامی کشور متذکر شدند: «این موضوع را برای نسل امروز تبیین کنید.» همین انگیزه‌ای شد تا ارتش جمهوری اسلامی ایران اقدام به برگزاری همایش‌های بزرگی کرده و از محققان حوزه نظامی دعوت کند تا دستاوردها و تحقیقات خود در این زمینه را گردآوری کنند. قرار بر این شد هر کدام از دانشگاه‌های نظامی به‌طور جداگانه عمل کرده و ماحصل کارهای خود را در همایش ارائه دهند. این اتفاق نیک افتاد و تاکنون ۶ همایش در دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش، دانشگاه‌های افسری امام‌علی(ع)، خاتم‌الانبیا(ص) نیروی پدافند هوایی، علوم و فنون هوایی شهید ستاری، علوم دریایی امام خمینی(ره) و دانشگاه علوم پزشکی ارتش برگزار شده است. اما نکته حائز اهمیت‌تری که امیرسرتیپ «علیرضا شیخ» معاون تربیت و آموزش آجا از آن خبر می‌دهد، برگزاری همایش ملی و بزرگی است که ماحصل تحقیقات علمی در همایش‌های گذشته را در معرض نمایش عموم می‌گذارد. امیرسرتیپ شیخ درباره علت برگزاری همایش‌ها نکات ارزنده‌ای را در اختیارمان می‌گذارد.

**تاکنون همایش‌های زیادی با اهداف گوناگون در عرصه دفاعی کشورمان برگزار شده، اما اینکه چرا نیروهای مسلح اقدام به اجرای همایش «تأثیر علمی و فناوری در دفاع‌مقدس» کرده است جای سؤال دارد؟ چرا چنین تصمیمی گرفته شده و چه تأثیری در دیدگاه مردم دارد؟**

تاکنون اقدامات خوبی در زمینه روایت‌های حماسی و خاطره‌ای از دفاع‌مقدس انجام شده که اینها در جای خود برای حفظ و ارتقای روحیه ملی جوانان ما بسیار مهم و با ارزش است. اما یکی از زوایای پنهانی که به آن کمتر پرداخته شده بررسی جایگاه علم و فناوری در دفاع‌مقدس است. در واقع موضوع مهمی که مقام معظم رهبری با نکته‌سنجی خود به آن اشاره کردند و از متولیان امر دفاع خواستند بیشتر به آن بپردازند. در واقع ایشان علم و فناوری در دفاع‌مقدس را حلقه مفقوده‌ای برای پاسخ به بعضی از ابهامات و شبهات می‌دانستند. برای همین تأکید داشتند نقش علم در دوران دفاع‌مقدس معرفی شود تا کسانی که در آن دوران زندگی نکردند بدانند فناوری چه تأثیری در هدایت عملیات‌ها داشته است.

**چرا تاکنون به اهمیت فناوری در دفاع‌مقدس بیشتر پرداخته نشده است؟**

از دید ما جنگ علم است و هنر است و حماسه. یعنی در هیچ کجای دنیا نداریم جنگی بدون علم و هنر فرماندهی پیروز شده باشد. اینکه علم از ملزومات اصلی جنگ به شمار می‌آید یک امر بدیهی است و عموما به چیز بدیهی کمتر پرداخته می‌شود. به همین دلیل تاکنون جز در دانشگاه‌های نظامی و آن هم برای درس‌آموزی مورد مداقه قرار نگرفته است و بیشتر به وجه ارزشی موضوع یعنی شور و حماسه دفاع‌مقدس توجه و پرداخته شده است. درصورتی که آنچه باعث شده امروز دفاع‌مقدس به یک حماسه قابل احترام در تاریخ این ملت بدل شود، هنر و دانش فرماندهانی بوده که مبتنی بر علم و فناوری روز صحنه‌های راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی جنگ را هدایت و مدیریت کردند. آنچه امروز مقام معظم رهبری از آن به‌عنوان یک گنج یاد می‌کنند محصول دانشمندانی است که در حوزه دفاعی هنر رهبری و فرماندهی صحنه‌های بحرانی و سرنوشت‌ساز را یاد گرفته بودند. البته هنوز بخش‌های زیادی از این گنجینه استخراج نشده و هر روز زوایای جدیدی از آن نمایان و کشف می‌شود که قطعا برای نسل‌های آینده می‌تواند قابل بهره‌برداری باشد.

**قرار است در همایش‌های «نقش علم و فناوری در دفاع‌مقدس» چه اتفاقی بیفتد؟ صرفا یک همایش علمی است یا پیامد دیگری هم دارد؟**

در این همایش‌ها نقش علم و فناوری مشخص و تبیین می‌شود که چگونه در دفاع‌مقدس علمی جنگیدیم. هر دانشگاه با توجه به حوزه تخصصی و ماهیت نیرویی خود به تبیین علم و فناوری در دوران دفاع‌مقدس می‌پردازد. تحقیقات آنها به‌صورت مقاله یا کتاب چاپ شده و در اختیار جامعه علمی کشور قرار می‌گیرد. وقتی به جنگ فقط دید ارزشی داشته و کمتر آن را نقد کنیم، بیشتر به جنبه حماسی آن پرداخته‌ایم. اما حماسه به مرور زمان تبدیل به افسانه می‌شود و باور آن برای نسل‌های آینده سخت خواهد بود. مقام معظم رهبری تأکید دارند دفاع‌مقدس مثل گنجی است که باید حفظ شود. این امر امکان‌پذیر نخواهد شد مگر اینکه واقعیت‌ها بازگو شود. نقد عالمانه و مبتنی بر استدلال عقلی می‌تواند به سؤالات و شبهات نسل امروز پاسخ دهد.

**نحوه برگزاری همایش‌ها به چه صورتی است؟ آیا دانشگاه‌های خاصی این همایش را برگزار می‌کنند؟**

همایش اصلی تا پایان سال اجرا می‌شود؛ برای هر دانشگاه نظامی مبتنی بر ماهیت نیرویی، یک همایش در نظر گرفته شده است و تاکنون ۶ همایش در دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش، دانشگاه‌های افسری امام علی(ع)، خاتم‌الانبیا(ص) نیروی پدافند هوایی، علوم و فنون هوایی شهید ستاری، علوم دریایی امام‌خمینی(ره) و دانشگاه علوم پزشکی ارتش برگزار شده است.

**یکی از اقدامات دشمن تبلیغات منفی است که درباره اتفاقات دفاع‌مقدس صورت می‌گیرد. اینکه بعضا رزمنده‌ها بی‌گدار به آب زده و با موج‌های انسانی روی میدان‌های مین رفته‌اند و تلفات بالا داشته‌اند. یا اینکه در فیلم‌های دفاع‌مقدس هم نشان داده می‌شود و شبهه‌ای برای نسل امروز ایجاد می‌کند که چگونه فرماندهی گردان و گروهان و یا رده‌های بالاتر به جوانان سپرده شده بود. چطور می‌توان این ذهنیت را اصلاح کرد؟**

فرماندهی در عرصه‌های گوناگون و سطوح مختلف متفاوت است جوانانی که هدایت مجموعه‌ای از رزمندگان باشور و ارزشی را برعهده داشتند در سایه پیران با تدبیری هدایت می‌شدند که از دانش و عقلانیت هدایت صحنه جنگ برخوردار بودند. به‌عبارتی جوانان در عرصه‌های تاکتیکی زیر چتر عقلانیت آن طراحی، اقدام می‌کردند. هنر فرماندهی، یافتنی است نه دانستنی. زیرا دانستنی را می‌توان آموزش داد ولی یافتنی را باید درک کرد. لذا فرماندهی را صرفاً با آموزش نمی‌توان به فرد منتقل کرد. برای همین در دوران دفاع‌مقدس جوانان حاضر در صحنه با شرکت در عملیات‌های مختلف به‌تدریج پیشرفت کرده و نهال نوپای سپاه را شکل دادند که این یافتنی، محصول کار میدانی و مشق رزم تحت هدایت مربیان و استادان باتجربه بود. در این میدان فقط دانشگاه افسری امام علی(ع) ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۱۸۴فرمانده شهید (دانش آموخته) تقدیم کرده است. به سبب همین افتخار، از سوی مقام فرماندهی معظم کل قوا نشان و پرچم نشان فداکاری به این دانشگاه اعطا شده است. آنچه روزهای اول جنگ باعث شد توان و ظرفیت بسیج مردمی برای کمک به صحنه بیایند، هنر فرماندهان جنگ بود که با تدبیر و عقلانیت و تلفیق شور و شعور ارزش‌های مانای دفاع‌مقدس را خلق کردند. یک سؤال ساده، گذشته از علم و هنر طراحی و هدایت صحنه جنگ؛ چطور غذای یک مجموعه چند هزار نفری حین عملیات به موقع تامین می‌شد؟ یا اینکه چطور رزمنده‌ها زیر بارش توپ و خمپاره غذای گرم دریافت می‌کردند؟ پاسخ به این سؤال خود مدیریت علمی را ثابت می‌کند که فرماندهان ما از آن برخوردار بودند.

مکث

**فرهنگ دفاع‌مقدس را زنده نگه داریم**

**نتیجه ۲۸۸۸ روز دفاع، در سطوح مختلف راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی، مبین این واقعیت است که پیروزی و موفقیت در عملیات اتفاقی نیست، البته زمان‌هایی هم بوده که موفق نبودیم و البته اشتباه کرده‌ایم و نتیجه دلخواه عاید نشده که این با ذات جنگ برمی‌گردد. آنچه مهم است اینکه باید واقعیت دفاع‌مقدس را به خوبی به صحت و دقت نمایش دهیم. متذکر می‌شوم حماسه دفاع‌مقدس شکل نگرفته مگر با هم آفرینی علم و هنر و بصیرت. اگر برای بیان اتفاقات جنگ فقط یکی از این ۳محور را پررنگ کنیم حماسه را تحریف و به افسانه تبدیل کرده‌ایم. این امر باعث می‌شود به مرور زمان حماسه دفاع‌مقدس باورپذیر نباشد و نتیجه‌اش داغ شدن بازار شبهه و ابهامات است.**

خبر

## برپایی اردوهای «راهیان نور پیشرفت»

اردوهای راهیان‌نور پیشرفت با هدف آشنایی نسل جدید و نوجوان با دستاوردهای علمی نظام و انقلاب اسلامی ایران برگزار خواهد شد. سردار ابوالفضل مسجدی، مسئول روایت‌گری و زیارتگاه‌های کل سپاه با اعلام این خبر توضیح داد: «این اردو، پنجشنبه ۱۲مهر ماه همراه با مراسم آغاز اردوهای راهیان نور دانش‌آموزی در استان هرمزگان کار خود را آغاز کرد. مهندسان و مدیران پالایشگاه‌ها، کارخانه‌های کشتی‌سازی، نیروگاه‌های اتمی و سایر مراکز علمی و تحقیقاتی در داخل کشور دستاوردهای علمی ایران را روایت خواهند کرد.»

## تهیه «سنگر تدارکات»

به تازگی کار نگارش و چاپ مجموعه «سنگر تدارکات» که راوی زندگی شهدای آماد و پشتیبانی است منتشر می‌شود. سرهنگ ابراهیم میرزاحسینی، دبیر ستاد کنگره شهدای آماد و پشتیبانی سپاه با اعلام این خبر گفت: «تاکنون مجموعه سنگر تدارکات ۸استان تکمیل شده است و منتظر فرصتی برای رونمایی از آنها هستیم. این مجموعه می‌تواند به‌عنوان کتاب مرجع در اختیار هر استان قرار بگیرد تا به کمک آن با زندگی‌نامه شهدای آماد و پشتیبانی آشنا شوند. تاکنون در کل کشور ۴۵۰۰ شهید واحد آماد و پشتیبانی شناسایی شده است.» ایسنا

خاطره

## جمله رمزی شهید با همسرش

همسر شهید مدافع حرم «حمید سیاهکالی مرادی» با بیان خاطره‌ای به شرح روحیات شخصی و سجایای اخلاقی همسرش پرداخت. فرزانه سیاهکالی مرادی درباره آخرین شب حضور همسرش قبل از اعزام به سوریه این چنین روایت کرده است: «آن شب به همسرم گفتم گرچه نمی‌دانم زمان عملیات چه شبی است اما بنشین تا برایت حنا ببندم، روی مبل کنار بوفه نشست و موها، محاسن و پاهایش را حنا بستم. در مورد اینکه برایش ساک ببندم یا چمدان، با من شوخی می‌کرد و می‌گفت: همه سبک سفر می‌کنند و آن وقت تو یک چمدان بزرگ برایم لباس و وسیله گذاشته‌ای!

با هر جان کندنی که بود برایش قرآن گرفتم تا راهی‌اش کنم. لحظه آخر به حمید گفتم: حمید تو را به همان حضرت زینب(س) هر کجا توانستی تماس بگیر. گفت: جور باشه حتماً بهت زنگ می‌زنم. فقط یک چیزی، از سوریه که تماس گرفتم چطوری بگویم دوستات دارم؟ اونجا بقیه هم کنارم هستند، اگه صدای من را بشنوند از خجالت آب می‌شوم! به حمید گفتم: پشت گوشی به جای دوستات دارم بگو یادت باشه! من منظورت را می‌فهمم. از پیشنهادم خوش‌اش آمده بود.

پله‌ها را که پایین می‌رفت، برایم دست تکان می‌داد و با همان صدای دلنشینش چند باری بلند بلند گفت: یادت باشه! یادت باشه! لبخندی زدم و گفتم: یادم هست! یادم هست.» شهید مدافع حرم حمید سیاهکالی مرادی اردیبهشت سال ۱۳۶۸ در استان قزوین به دنیا آمد. او در مأموریت جعفر طیار در عملیات نصر ۲ منطقه حلب ناحیه العیس سوریه، در روز ۵ آذر سال ۱۳۹۴ به فیض شهادت نایل آمد و مدال نخستین شهید مدافع حرم قزوین را به‌خود اختصاص داد.

یادداشت
**علی‌الله سلیمی:** روزنامه‌نگار

مروری بر کتاب «بار دیگر، نادر»
خاطرات شفاهی زندگی شهید نادر مهدوی

## عملیات مقابله به مثل در خلیج‌فارس

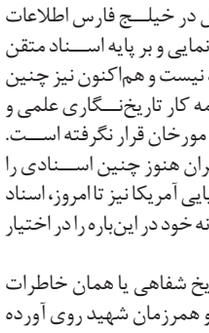

برخی از رویدادهای دوران دفاع‌مقدس با ویژگی‌های منحصر به فردی گره خورده است که با گذشت چند دهه از پایان جنگ تحمیلی، هنوز همه ابعاد آن وقایع روشن نشده و در این میان، بهره‌گیری از تاریخ شفاهی به منزله مشاهدات عینی افراد شاهد ماجرا می‌تواند به روشنگری در این زمینه کمک کند. یکی از این موضوعات، جریان مقابله به مثل در خلیج‌فارس در دوران دفاع‌مقدس است؛ نبردهای دریایی رزمندگان ایرانی برای مقابله با تهدیدهای دشمن به‌ویژه ناوهای متجاوز آمریکایی که شجاعت‌های بی‌نظیر رزمندگان در این زمینه مثال‌زدنی است. از آثار موفق در این زمینه، کتاب «بار دیگر، نادر»؛ تاریخ شفاهی زندگی شهید نادر مهدوی به قلم سیدقاسم یاحسینی است که از سوی نشر فاتحان در تهران چاپ و منتشر شده است.

این کتاب در ۶فصل به زندگی شهید نادر مهدوی از دوران کودکی تا شهادت و روزهای بعد از آن می‌پردازد. نویسنده در مقدمه اثر که به منزله گزارش کار وی نیز محسوب می‌شود، به چگونگی تالیف این کتاب می‌پردازد و یادآوری می‌کند که پیش از انتشار این اثر نیز در آثار متعدد به زوایای مختلف زندگی شهید مهدوی اشاره شده اما هیچ‌کدام کامل و جامع نیست، چرا که منابع مستند رسمی تا به حال درباره این شهید از سوی مراکز نظامی ایرانی و آمریکایی منتشر نشده است.

«درباره گروه مقابله به مثل در خلیج فارس اطلاعات مستند و به دور از بزرگ‌نمایی و بر پایه اسناد متقن تاریخی و اداری، چندان زیاد نیست و هم‌اکنون نیز چنین اسنادی که به هر حال لازمه کار تاریخ‌نگاری علمی و آکادمیک است، در اختیار مورخان قرار نگرفته است. نه‌تنها سپاه‌پاسداران در ایران هنوز چنین اسنادی را منتشر نکرده بلکه نیروی دریایی آمریکا نیز تا امروز، اسناد بازجویی‌ها و اطلاعات محرمانه خود در این‌باره را در اختیار مورخان قرار نداده است.»

بنابراین، مولف کتاب به تاریخ شفاهی یا همان خاطرات شفاهی خانواده، دوستان و همرزمان شهید روی آورده تا گوشه‌هایی از ناگفته‌های زندگی و رشادت‌های شهید مهدوی را بیان کند.

مطالب فصل اول کتاب با عنوان «کودکی و نوجوانی(حسین) نادر»، ۱۳روایت به نقل از حسن فقیه برادر شهید نادر مهدوی است. او در این روایت‌های اغلب کوتاه به تولد و دوران کودکی و نوجوانی شهید اشاره می‌کند.

در فصل دوم با عنوان «نادر در انقلاب و جنگ» هم برادر شهید در ۱۲روایت به برهه‌های حساسی از زندگی شهید در این مقطع تاریخی تأکید دارد. برای فصل سوم کتاب، عنوان «نادر، مأمور جزیره خارک» انتخاب و ۱۵روایت به نقل از برادر و نیز چند همرزم شهید بیان شده است. «عملیات مقابله به مثل در خلیج‌فارس» عنوان فصل چهارم اثر است که در آن با نقل ۴۳روایت از افراد مختلف به نبردهای دریایی رزمندگان ایرانی به فرماندهی شهید نادر مهدوی در مقابله ناوهای نیروهای متجاوز در آب‌های خلیج‌فارس پرداخته می‌شود. اوج این نبردها در روایت‌های بیست‌گانه فصل بعدی، پنجم است که با عنوان «آخرین نبرد در خلیج‌فارس» نامگذاری شده است. البته در این فصل علاوه بر روایت شهادت نادر مهدوی از زبان همرزمانش، به اسارت چند رزمنده همرزم وی در نبردهای دریایی هم پرداخته می‌شود که توسط نیروهای آمریکایی اسیر شده و مورد بازجویی قرار می‌گیرند. در فصل ششم، «پس از شهادت نادر» نیز همانطور که از عنوان فصل برمی‌آید در ۵روایت به روزهای بعد از شهادت این فرمانده رشید دوران دفاع‌مقدس پرداخته می‌شود. لحظه شهادت نادر مهدوی در روایتی با عنوان «تراژدی نادر!» به نقل از عبدالکریم مظفری، دوست و همرزم شهید نادر مهدوی بیان شده است: «ناگهان ناوچه نادر مهدوی مورد اصابت یک فروند موشک قرار گرفت. با اینکه قایق مورد اصابت مستقیم موشک قرار گرفته بود، اما هنوز تیربارش کار می‌کرد و به طرف آمریکایی‌ها شلیک می‌کرد. در فاصله چند لحظه، ۳موشک دیگر هم اصابت کرد که آن را متلاشی کرد.»

در هیچ یک از روایت‌های کتاب، به نقل از شهید نادر مهدوی مطلبی بیان نشده است. همه روایت‌ها، دیده و شنیده‌های دیگران درباره این شهید است. البته در برخی از این روایت‌ها، همرزمان شهید خاطراتی را تعریف می‌کنند که در کنار شهید مهدوی سپری کرده‌اند. نویسنده کتاب صرفا بر پایه خاطرات شفاهی چند تن از اقوام و دوستان و همرزمان شهید مهدوی، زندگی وی را از آغاز تا شهادت و حتی پس از شهادت، روایت کرده است، چون نام شهید مهدوی با عملیات‌های مقابله به مثل در خلیج‌فارس گره خورده است، برای آشنایی نسل جوان با چگونگی شکل‌گیری نیروی دریایی سپاه پاسداران و علل آغاز عملیات‌های مقابله به مثل، ضروری بوده مطالبی در قالب خاطرات شفاهی در کتاب حاضر گنجانده شود و ضمنا روی ۲شخصیت دیگر از اعضای این گروه، شهیدان نصرالله شفیعی و به‌خصوص بیژن گرد، مانور داده شود. البته چنان که از نام کتاب پیداست، محور اصلی در این اثر، زندگی، تلاش‌ها و به‌خصوص شهادت تراژیک شهید نادر مهدوی است.

یادی از شهید اقبالی در سالروز شهادتش؛ نابغه‌ای که بعثی‌ها را به زانو درآورد

# خلبانی که صدام دستور داد بدنش را دو تکه کنند

گزارش
آزاده سلطانی
روزنامه‌نگار

رؤیای پرواز را از همان کودکی در سر داشت. آرزوی خلبان شدن یک لحظه از ذهنش بیرون نمی‌رفت. برای همین پی خواسته قلبی‌اش رفت و در سال ۱۳۴۶ به استخدام نیروی هوایی درآمد. پس از آموزش‌های نظامی و انجام دوره‌های پرواز برای تکمیل آموخته‌هایش به ایالت آریزونای آمریکا اعزام شد. توانمندی که از خود نشان داد باعث شد از او دعوت شود که در آمریکا بماند اما «سیدعلی اقبالی دوگاهه» جوانی نبود که تعصب ملی خود را زیر پا بگذارد. این خلبان نابغه در سن ۲۷سالگی جزء افسران ارشد نیروی هوایی بود. با شروع جنگ؛ همان یک ماه اول چنان ضربه مهلکی به تاسیسات نفتی عراق زد که در آمد نفتی آن را به صفر رساند. همین باعث شد بذر کینه‌ای در دل بعثی‌ها بکارد. سرانجام اول آبان سال ۱۳۵۹ حین عملیات هواپیمایش دچار سانحه شد و به اسارت نیروهای عراقی درآمد و بعد از شکنجه زیاد به شهادت رسید. به مناسبت چهل‌ودومین سالگرد شهادت او مهمان همسرش فریده هاشمی می‌شویم تا خاطرات این خلبان را برایمان بازگو کند.

تندیس شهید سیدعلی اقبالی دوگاهه در ساحل سفیدرود نصب شده، کنار هواپیمای اف-۵. درست ورودی شهر رودبار. دیدن آن هر ایرانی متعصبی را به وجد می‌آورد چه برسد به مردم رودبار که هر روز با تماشای تندیس صلواتی نثار روح خلبان هم‌ولایتی‌شان می‌کنند. هاشمی از دوران کودکی همسرش می‌گوید: «علی هم خیلی خوش‌سیما بود هم خیلی مهربان. خانواده‌اش تعریف می‌کردند، از همان بچگی به خلبانی علاقه داشت. دوران ابتدایی‌اش که تمام شد برای ادامه تحصیل به تهران آمد. سال ۱۳۴۶ هم استخدام نیروی هوایی شد. دوره‌های تخصصی پرواز را که پشت سر گذاشت به‌دلیل نبوغ زیادی که داشت او را به ایالت آریزونای آمریکا اعزام کردند. ۲سالی در آنجا بود و توانمندی‌های زیادی از خود نشان داد تا جایی که مسئولان نظامی آمریکا پیشنهاد دادند که برای همیشه در آنجا بماند. اما او قبول نکرد و به ایران بازگشت.»

### از استاد خلبانی تا فرماندهی گردان ۲۳شکاری

علی اقبالی از آن دسته خلبان‌هایی بود که وجودش امتیاز بزرگی برای نیروی هوایی به‌شمار می‌آمد. او به‌دلیل مهارت‌هایی که در پروازهای تاکتیکی و عملیاتی نشان داد توانست خیلی زودتر از انتظار به سطح لیدری ارتقا پیدا کند. از شاگردان ممتاز او شهید سرلشکر عباس بابایی و سرلشکر مصطفی اردستانی است. او مسئولیت‌های زیادی را تجربه کرده بود. استاد خلبانی تا فرماندهی گردان ۲۳شکاری و در همه آنها گل کاشته بود. همسرش تعریف می‌کند: «من و علی سال ۱۳۵۴ ازدواج کردیم. خوش‌اخلاق‌تر از او به چشم ندیدم. ثمره زندگی مشترکمان پسرم افشین است که پزشک حاذقی است.» با شروع جنگ شهید اقبالی همه توان خود را برای دفاع از کشور به کار گرفت. گاهی پروازهایش برای شناسایی بود تا بتواند موقعیت‌ها را بهتر بررسی کند. با اینکه سن و سالی نداشت اما یکی از زبده‌ترین و جوان‌ترین استاد خلبان‌های شکاری به‌شمار می‌آمد. همسرش می‌گوید: «سال ۱۳۵۹ ما در نزدیکی فرودگاه مهرآباد

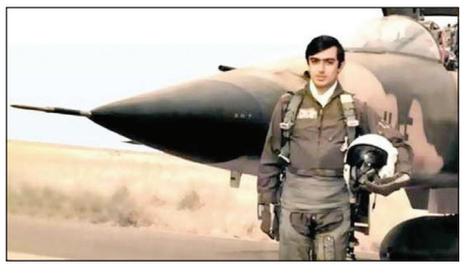

زندگی می‌کردیم. یک روز صدای انفجاری بلند شد. دود سیاهی همه جا را پوشاند. ساعتی بعد علی به خانه آمد و گفت جنگ شده است. عراق به چندین پایگاه هوایی ایران حمله کرده است. گفتم حالا چه می‌شود؟ گفت: من باید بروم. همین!» او بی‌معطلی مهیای رفتن شد. وقتی می‌خواست از در خارج شود پسرش افشین خیلی بی‌تابی می‌کرد و بهانه می‌گرفت. هیچ طور نمی‌شد او را آرام کرد. اما علی رفت. در یک ماه آغازین جنگ طرح‌های عملیاتی کارسازی را اجرا کرد. او با هدف قرار دادن تاسیسات نفتی عراق باعث شده بود صادرات ۳۵۰تنی نفت را به صفر برساند. علاوه بر اینکه اغلب تلمبه‌ها و نیروگاه‌های برق عراق را هم از کار انداخته بود.

### کینه‌ای که بعد از ۲۲سال عیان شد

خسارت‌های پی‌درپی که شهید اقبالی به صنعت دشمن زد باعث شده بود بعثی‌ها کینه بدی از او به دل داشته باشند. مترصد فرصت که لطمه‌های وارد شده را تلافی کنند. تا اینکه آن اتفاق شوم افتاد. شهید اقبالی در یکم‌آبان سال ۱۳۵۹ در یک ماموریت برون مرزی شرکت کرد با این هدف که سایت‌های راداری موصل را منهدم کند. او توانست عملیات را با موفقیت انجام دهد اما حین بازگشت رادارهای راهبردی دشمن هواپیمای شهید اقبالی را نشانه گرفته و به‌سویش موشکی شلیک کردند. هواپیما صدمه دید و خلبان جوان توانست آن را به ۳۰کیلومتری شرق موصل نزدیک مرز ایران برساند. اما هواپیما سقوط کرد و شهید اقبالی با چتر نجات به زمین آمد. او در دام اسارت عراقی‌ها افتاد. بعثی‌ها با اسیر کردن او وقت را مناسب دانستند تا زهر کینه خود را بریزند. او را به دو ماشین بستند. با حرکت ماشین‌ها بدنش به دو نیم شد. نیمی از آن را در نینوا و نیم دیگر در قبرستان موصل دفن شد. اقدام وحشیانه عراق از نگاه صلیب‌سرخ جهانی مخفی ماند اما پیگیری مداوم همسر او و تلاش کمیته جست‌وجوی اسرا و مفقودان، پیکرش بعد از ۲۲سال دوری در مرداد ماه سال ۱۳۸۱ به ایران بازگشت.